

دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۹۹ • ۲۷ ذی‌الحجه ۱۴۴۱ • ۱۷ آگوست ۲۰۲۰

## یادداشت

**چالش بر سر واژگان**

حسین محمدی

درگیر ودار مسائل بغرنج ورزش از جمله معیشت ورزشکاران، تعویق مسابقات به دلیل کرونا و تعطیلی نسبی جامعه ورزش، فدراسیون سه گانه در اقدامی قابل توجه تصمیم به تغییر نام گرفته و زین پس با نام «ترای اتلون» خوانده می شود.
واژه ای نامانوس و بیگانه در زبان فارسی و رشته ای که باوجود فعالیت ۲۰ ساله در کشور نتوانسته در جایگاه اصلی خود قرار بگیرد.

اساسا یکی از مهمترین رویکردها در مواجهه با مشکلات تغییر صورت مسائل است و گاهی به جای ریشه یابی و حل مشکل با اسامی بازی می کنیم. مثلا وقتی مجموعه ای دچار مشکل می شود تنها اسم جابه جا می شود؛ مدیر سابق از جایی به جای دیگر منتقل و مدیر جدید منصوب می شود در حالی که مشکلات باقی است و تنها اسم ها عوض شده. فدراسیون سه گانه هم در جدیدترین اقدام خود دست به تغییر اسم زده در حالی که مشکل آن بنیادی تر از تغییر نام بوده است.

در اولین نگاه به واژه «ترای اتلون»، بیگانه بودن آن با زبان فارسی و معیار جامعه مطرح می شود. درست است که فرهنگستان زبان فارسی اغلب واژگانی را انتخاب می کند که رایج و مرسوم نیست اما در خود ورزش تصمیمات درستی گرفته شده و نام های خوبی انتخاب شده است. در مورد مسئله اسامی فدراسیون ها تاکنون سه رفتار اتخاذ شده است:

۱.اسامی که از انگلیسی به فارسی تبدیل و صورت اصلی را حفظ کرده اند؛ چراکه معادلی فارسی برای آن وجود نداشته است برای مثال والیبال، بسکتبال و فوتبال اسامی رشته های هستند خارجی که جایگزین داخلی نداشته اند.
۲.رشته هایی که جایگزین داخلی داشته‌اند و برای آنها معادل فارسی قرار داده شده است برای مثال شنا، پرورش اندام و دوومیدانی.

۳. رشته هایی که معادلی در فارسی برای آن ها وجود نداشته و واژه ای برایشان آشنا شده است مانند همین رشته ترکیبی (شنا، دو و

میدانی و دوچرخه سواری) سه گانه.

ریشه مشکلات فدراسیون سه گانه یا ترای اتلون نام آن نبود بلکه خود این رشته و اداره آن به عنوان فدراسیون بود. فدراسیونی که تاکنون نتوانسته در المپیک و حتی با وجود حضور در بازی های آسیایی مدالی کسب کند. تیم ها و باشگاه های ما از استانی به استان دیگر، مجموعه ای به مجموعه دیگر جابه جا می شوند اما مشکلات کماکان باقی می ماند چراکه فکر می کنند مسائل با تغییر نام و صورت حل می شوند.

ورزش سه گانه از سال ۱۳۸۰ و به صورت نهمین زیر نظر فدراسیون دوومیدانی شروع به کار کرد و از سال ۱۳۸۵ به عنوان یکی از فدراسیون های ورزشی کشور در کنار فدراسیون های کشتی، تکواندو و وزنه برداری شناخته می شود. یعنی رئیس فدراسیون ترای اتلون که وسعت کارش از بسیاری از انجمن ها و هیئت های استانی برخی رشته ها کمتر است به عنوان فدراسیون از آن یاد می شود. تعداد کل بیمه شدگان ترای اتلون کشور چو تعداد است؟ ممکن است این ایراد جمعیتی به رشته تنیس و شمشیر بازی هم وارد شود اما این رشته ها را نمی توان در قالب فدراسیونی دیگر گنجانید چون ساز و کار متفاوتی دارند . اما فدراسیون سه گانه یک رشته ترکیبی میان دوومیدانی، شنا و دوچرخه سواری است و عبارتی ورزشی میان رشته ای است که باید زیر نظر یکی از سه فدراسیون شنا، دوومیدانی یا دوچرخه سواری اداره شود. شاید یکی از مهمترین دلایل موفق نبودن این رشته تر این سال ها همین عدم شناخت درست برای قرار دادن سه گانه در اختیار یکی از فدراسیون های یاد شده، باشد.

مشکل این رشته اصل فدراسیون بودن آن است نه سه گانه یا ترای اتلون بودن آن. نباید برای چنین رشته هایی که نقش مهم و اثر گذاری در جامعه ندارند چنین عمل کرد و ساز و کار فدراسیونی در نظر گرفت. درست است که این فدراسیون بودجه کمی دریافت می کند. اما هزینه های جاری آن با دیگر فدراسیون ها برابری می کند و این مشکلی است که باید با بازگشت به قبل از سال ۸۵ و تبدیل به انجمن این رشته از هزینه اضافی جامعه ورزش کاسته شود.

روزنامه ابولا خبر داد؛

**طارمی تصمیم قطعی خود را برای فصل بعد گرفت**

با ادعای روزنامه پرتغالی ابولا، مهدی طارمی تصمیم خود را برای بازی در تیم پورتو در فصل بعد گرفته و منتظر توافق دو باشگاه ریوآو و پورتو برای انجام این انتقال است.

مهدی طارمی مهاجم ایرانی تیم فوتبال ریوآو پرتغال در فصل اول حضورش در این تیم موفق شد با ۱۸ گل، عنوان آقایی گلی مشترک فوتبال پرتغال را از آن خود کند.

در حال حاضر تیم هایی چون بنفیکا، براگا، اسپورتینگ لیسبون و پورتو از مشتريان طارمی هستند.

روزنامه «بولتا» در شماره امروز شنبه خود، خبر و عکسی از مهدی طارمی در صفحه نخست خود کار کرده است. با ادعای ابولا، مهدی طارمی تصمیم قطعی خود را برای فصل بعد گرفته و قصد دارد به اژدها (لقب تیم پورتو) اضافه شود. ابولا اعلام کرده است که طارمی منتظر توافق پورتو و باشگاه ریوآو است.

گفته می شود ریوآو قصد دارد طارمی را به مبلغ ۱۰ میلیون یورو فرست برساند.

روزنامه «بولا» خبر داد که طارمی به خاطر حضور در اردوهای تیم ملی فوتبال ایران که قرار است با سوریه و ازبکستان بازی کند، این تیم ریوآو اجازه گرفته تا در تمرینات پیش فصل حضور نداشته باشد.

فرشاد کاس‌نژاد

پایان امیر قلعه‌نویی یکی از غلط‌ترین گزاره‌ها درباره او است. مریی پس از سخت‌ترین شکست‌ها تمام نمی‌شود، بلکه همیشه فرصت هست و فوتبال بازی ناتمام است و اگر پایان داشت و متوقف می‌شد، چنین شگفت‌انگیز نبود. شروع دوباره و حکایت‌هایی که قلعه‌نویی بعد از این می‌سازد، می‌تواند از جذاب‌ترین ماجراهای فوتبال ایران باشد. بیابید نکته‌ها و موضوعاتی را که درباره او در ذهن داریم، مرور کنیم:

۱- امیر قلعه‌نویی شکست‌های بزرگ را در مربیگری تجربه کرده. شکست‌هایی که مربیان دیگری را تا سال‌ها از چرخه مربیان درجه اول دور کرده اما امیر قلعه‌نویی یک توانایی منحصر به خودش در فوتبال ایران دارد، افتان و خیزان دوباره به امیر قلعه‌نویی تبدیل می‌شود و بین شکست و موفقیت فاصله‌ها را کوتاه می‌کند. شاید از او بریابید که دوباره چنین کند.

قلعه‌نویی در استقلال به سیاه‌ترین روزها رسید، دو فصل دیره و تاز که دیگر انگار پایان یک مربی باشد اما او نشان داد که خیلی زود می‌تواند همه چیز را به نفع خودش تغییر دهد و تندترین منتقدانش را به این باور برساند که من، امیر قلعه‌نویی، یک مریی هستم. سخت می‌بازم اما برمی‌گردم، به بدترین روزها می‌روسم اما دوباره بهترین روزها را می‌سازم. قلعه‌نویی در دوره کاری جدیدش با سپاهان پیش از بار آخر نیز به روزهایی رسید که نتوانست به توغعات پاسخ دهد و تصور می‌شد که چیزی به جدایی‌اش از سپاهان باقی نمانده است، اما او توانست به باشگاه بفهماند که تکرار موفقیت‌های پیشین سپاهان با قلعه‌نویی ممکن است و به زمان نیاز دارد. قلعه‌نویی توانست اعتبار کافی را برای دریافت این فرصت‌های حرفه‌ای برای خود بسازد و این کار هر کسی نیست. مربیان دیگری در موفقیت‌های ناخوش قلعه‌نویی، نمی‌توانند اعتماد باشگاه را جلب کنند. امیر قلعه‌نویی اما حتی از موضع بالا این اعتماد را جلب کرد و البته بار آخر دیگر نمی‌توانست این اعتبار را بازتولید کند.

۲- آنها که دیست دارند پایان قلعه‌نویی را اعلام کنند، به موضع‌گیری‌های مرسوم مجازی مشغول‌اند. امیر قلعه‌نویی جایگاهش را در مربیگری مدیون موضع‌گیری‌های مجازی یا اطوارهای خارج از فوتبال نیست. او وسط زمین فوتبال ستاره است، خوب و بدش در وسط زمین روشن می‌شود، حکایت مربیگری‌اش را در فوتبال می‌سازد و شاید به همین دلیل در مقابل تندترین انتقادات کم نمی‌آورد چون می‌داند که سرانجام بازی را وسط زمین او می‌برد.

# گزاره سراسر غلط: پایان قلعه‌نویی



امیر قلعه‌نویی به مرد کهنه‌کار فوتبال تبدیل شده، عمری را در مربیگری گذرانده و آن سال‌ها که یک مریی جوان شناخته می‌شد دیگر گذشته و فقط خاطره‌هایی از آن سال‌ها به یاد مانده اما فراموش نکنیم که همین چند ماه پیش تنها گزینه ایرانی برای تیم ملی و خود برای به مقصد رساندن پروژه‌اش با سپاهان، پیشنهاد فدراسیون فوتبال را رد کرد.

وقتی دوربین تلویزیون حوالی دقیقه ۳۰ بازی استقلال – سپاهان، نمای بسته‌ای از امیر قلعه‌نویی را می‌گرفت، پرفرنخارترین مریی تاریخ لیگ برتر، تنها روی صندلی سبز پلاستیکی نشسته و سر خود را پایین گرفته بود، تو گویی زودتر از ما بی برده بود که تیمش هیچ دستاوردی از این مسابقه نخواهد داشت. باخت ۲-صفر به استقلال. امیر را مجبور به استعفایی خودخواسته کرد، قبل از آن‌که اولین حکم اخراج مربیگری در کارنامه‌اش ثبت شود. با این حال همین استعفا هم باعث شد تا قلعه‌نویی برای اولین بار یک لیگ را به پایان نرساند، پایانی تلخ برای مریی که فصل را با آرزوهای بسیار آغاز کرده بود. با در اختیار داشتن یکی از سه اسکوآد کامل فصل، با گل نخوردن در ۹ هفته ابتدایی، با صدرنشینی تا هفته ۱۲،۱۳. اما مصدومیت عزت پورقاز ستون خط دفاعی تیمشان و گتورگی گولیسانی بهترین بازیکن این فصلشان، آغاز مشکلات متعدد سپاهان شد. سپاهان تا زمان حضور همزمان این دو مدافع میانی در ۷٪ بازی‌های خود کلین‌شیت کرده بود و تا زمان حضور حداقل یکی از این دو نفر، تنها سه امتیاز با صدر جدول فاصله داشت. دومین مشکل عده سپاهان این فصل، موفقیت‌های بسیار زیادی بود که توسط مهاجمان این تیم از دست می‌رفت. زردپوشان نصف جهان در فصلی که کی‌روا استنلی را در بسیاری از بازی‌ها در اختیار نداشته‌اند، باید از شهپاززاده و قربانی برای برکردن جای خالی مهاجم برزیلی استفاده می‌کردند. این دو مهاجم روی هم با ۲۶۸۲ دقیقه حضور در رقابت‌های لیگ، تنها ۵ گل را به ثمر رساندند، در حالی که کی‌روش با ۱۵۴۸ دقیقه حضور، به تنهایی ۶ گل را به ثمر رسانده است. سپاهان در حالی که با فرصت‌سوزی‌های مهاجمان خود و اشتباه مهره‌های جایگزین خط دفاعی‌اش هفته به هفته از صدر جدول دورتر می‌شد، با تصمیم غیرقابل توجیه بازی نکردن مقابل پرسپولیس، تیر خلاص را به خود وارد کرد. بعد از این مسابقه، فشارها روی امیر قلعه‌نویی چندین برابر گذشته شد و تا نقطه استعفا هم این فشارها ادامه داشت. در واقع هواداران سپاهان، درست یا مقرر اصلی اتفاقات این روز می‌دانستند و هرگز نتوانستند او را ببخشند. امیر هم در کنترل این فشارها ناکام بود و این بار سنگین روانی مشخصاً از کادرفنی به فضا رفتی هم انتقال پیدا کرده بود. ۶قهرمانی در تمامی رقابت‌ها در ۷ دوره ابتدایی حضور در لیگ و صفر قهرمانی در هرگونه رقابتی در ۷ فصل اخیر. این کارنامه امیر قلعه‌نویی در ۱۴ فصل حضور خود در لیگ برتر بوده است. البته نباید فراموش کرد قلعه‌نویی در این هفت سال هم توانسته ترائکتور، ذوب‌آهن و سپاهان را در شرایطی به سهمیه آسیایی برساند که یک فصل قبل از حضور امیر در شرایط مساعدی نبودند. با این حال به نظر می‌رسد در نقطه حاضر، او به دوری کوتاه مدت از فوتبال و بازیابی تفکراتش نیاز دارد. چرا تیم‌های او دیگر در «قلعه‌نایم» گل نمی‌زنند؟ چرا تیم‌های سرمربی عادت اوج‌گیری خود در هفته‌های پایانی را با از دست دادن امتیازات متوالی در این هفته‌ها عوض کرده‌اند؟ آیا سبک بازی ارسال از جناحین امیر به انتهای خود در فوتبال ایران نزدیک شده؟ آیا او نیاز دارد همانند چند سال پیش بار دیگر ترکیب کادرفنی خود را تغییر دهد؟ اینها پرسش‌هایی است که امیر در مدت استراحتش بهتر از هر کسی می‌تواند پاسخشان را دربیابد.

# حامد لک ۹۰ دقیقه تا پیوستن به پرسپولیس

دروازه بان تیم فوتبال ماشین سازی که سابقه حضور در تیم هایی مثل صبا، فولاد، تراکتور و… را دارد، در حالی به عنوان گزینه اصلی دروازه پرسپولیس در فصل آینده پای میز مذاکره با مربیان پرسپولیس قرار گرفته که بوژیبار رادوشووچ دروازه بان اهل کرواسی بعد از جدایی علیرضا بیرانوند در قد و قواره یک گلر اصلی نشان نداده و همین مسئله تردیدهایی را در دل مربیان پرسپولیس ایجاد کرده است.

رادوشووچ که در دوره حضور علیرضا بیرانوند باعث رقابت جویی بازی‌ها در تعدادی‌اا برای پرسپولیس با درخشش خود از کار درآورد، در پی جدایی بیرانوند منزلزل ظاهر شده و در مسابقه دیروز نیز سه بار مقابل حمله وران گل گهر تسلیم شد. اگرچه تنها روی یک گل‌مقرص بود و یکی دو سیو خوب نیز از خود نشان داد. اما در حالی که گفته می‌شد پرسپولیس برای جانشینی بیرانوند روی چهره هایی مثل علیرضا حقیقی و رشید مظاهری نظر دارد، دروازه بان ۲۹ ساله تیم ماشین سازی جلوتر از بقیه با مربیان پرسپولیس به توافق رسیده و اگر اتفاقی نیفتد در پایان فصل قرارداد خود را با سرخپوشان امضا می‌کند تا به آرزوی همیشگی اش بازی در پرسپولیس برسد. لک این فصل عضو تیم ماشین سازی تبریز بوده و از گلرهای موفق این فصل محسوب می‌شود. بنابر اطلاع خبرنگار

روزنامه‌سپایان

آسانی تکرار نشود. هنوز زمان لازم است تا در میان مربیان ایرانی قلعه‌نویی دیگری تکرار شود و بتواند موفقیت‌ها را در یک دوران طولانی به نام خود سند بزند. این شوخی نیست که در یک دوران حرفه‌ای بی‌تکرار باشید.

مرور حکایت قلعه‌نویی در مربیگری نشان می‌دهد که او دورانی سخت را گذرانده، دورانی طولانی با انتقاداتی که شدت داشتند و می‌توانستند هر مریی را از تک و تا بپندازند، اما مقابله قلعه‌نویی در فضایی پر از انتقاد نیز جذاب و از ماجراهای پرمخاطره یک مریی حرفه‌ای است. وقتی از امیر قلعه‌نویی حرف می‌زنیم از کدام قلعه‌نویی حرف می‌زنیم، کدام وجه او را می‌بینیم، کدام دورانش را، کدام موفقیت‌ها و کدام ناکامی‌ها. کدام کف رفتاری‌ها و کدام مدارا، دوران جوانی یا دوران نقد جوانی؟ وقتی از قلعه‌نویی حرف می‌زنیم، از تمام این دوران حرف می‌زنیم، از یک چهره که در طی دوران تغییر کرده، خود را ساخته، آموخته شده، مویی سپید کرده، مثل یک مریی واقعی، همیشه برای پیروز شدن، همیشه برای جنگیدن و بردن، مریی که پایان نداشته باشد، کوتاه نیاید، پایان او یک گزاره غلط است و دیدن دوباره او در تقلا برای موفقیت از جذابیت‌های آینده در لیگ خواهد بود.

## زمانی برای بازیابی

علی کماکتری

وقتی دوربین تلویزیون حوالی دقیقه ۳۰ بازی استقلال – سپاهان، نمای بسته‌ای از امیر قلعه‌نویی را می‌گرفت، پرفرنخارترین مریی تاریخ لیگ برتر، تنها روی صندلی سبز پلاستیکی نشسته و سر خود را پایین گرفته بود، تو گویی زودتر از ما بی برده بود که تیمش هیچ دستاوردی از این مسابقه نخواهد داشت. باخت ۲-صفر به استقلال. امیر را مجبور به استعفایی خودخواسته کرد، قبل از آن‌که اولین حکم اخراج مربیگری در کارنامه‌اش ثبت شود. با این حال همین استعفا هم باعث شد تا قلعه‌نویی برای اولین بار یک لیگ را به پایان نرساند، پایانی تلخ برای مریی که فصل را با آرزوهای بسیار آغاز کرده بود. با در اختیار داشتن یکی از سه اسکوآد کامل فصل، با گل نخوردن در ۹ هفته ابتدایی، با صدرنشینی تا هفته ۱۲،۱۳. اما مصدومیت عزت پورقاز ستون خط دفاعی تیمشان و گتورگی گولیسانی بهترین بازیکن این فصلشان، آغاز مشکلات متعدد سپاهان شد. سپاهان تا زمان حضور همزمان این دو مدافع میانی در ۷٪ بازی‌های خود کلین‌شیت کرده بود و تا زمان حضور حداقل یکی از این دو نفر، تنها سه امتیاز با صدر جدول فاصله داشت.

دومین مشکل عده سپاهان این فصل، موفقیت‌های بسیار زیادی بود که توسط مهاجمان این تیم از دست می‌رفت. زردپوشان نصف جهان در فصلی که کی‌روا استنلی را در بسیاری از بازی‌ها در اختیار نداشته‌اند، باید از شهپاززاده و قربانی برای برکردن جای خالی مهاجم برزیلی استفاده می‌کردند. این دو مهاجم روی هم با ۲۶۸۲ دقیقه حضور در رقابت‌های لیگ، تنها ۵ گل را به ثمر رساندند، در حالی که کی‌روش با ۱۵۴۸ دقیقه حضور، به تنهایی ۶ گل را به ثمر رسانده است. سپاهان در حالی که با فرصت‌سوزی‌های مهاجمان خود و اشتباه مهره‌های جایگزین خط دفاعی‌اش هفته به هفته از صدر جدول دورتر می‌شد، با تصمیم غیرقابل توجیه بازی نکردن مقابل پرسپولیس، تیر خلاص را به خود وارد کرد. بعد از این مسابقه، فشارها روی امیر قلعه‌نویی چندین برابر گذشته شد و تا نقطه استعفا هم این فشارها ادامه داشت. در واقع هواداران سپاهان، درست یا مقرر اصلی اتفاقات این روز می‌دانستند و هرگز نتوانستند او را ببخشند. امیر هم در کنترل این فشارها ناکام بود و این بار سنگین روانی مشخصاً از کادرفنی به فضا رفتی هم انتقال پیدا کرده بود. ۶قهرمانی در تمامی رقابت‌ها در ۷ دوره ابتدایی حضور در لیگ و صفر قهرمانی در هرگونه رقابتی در ۷ فصل اخیر. این کارنامه امیر قلعه‌نویی در ۱۴ فصل حضور خود در لیگ برتر بوده است. البته نباید فراموش کرد قلعه‌نویی در این هفت سال هم توانسته ترائکتور، ذوب‌آهن و سپاهان را در شرایطی به سهمیه آسیایی برساند که یک فصل قبل از حضور امیر در شرایط مساعدی نبودند. با این حال به نظر می‌رسد در نقطه حاضر، او به دوری کوتاه مدت از فوتبال و بازیابی تفکراتش نیاز دارد. چرا تیم‌های او دیگر در «قلعه‌نایم» گل نمی‌زنند؟ چرا تیم‌های سرمربی عادت اوج‌گیری خود در هفته‌های پایانی را با از دست دادن امتیازات متوالی در این هفته‌ها عوض کرده‌اند؟ آیا سبک بازی ارسال از جناحین امیر به انتهای خود در فوتبال ایران نزدیک شده؟ آیا او نیاز دارد همانند چند سال پیش بار دیگر ترکیب کادرفنی خود را تغییر دهد؟ اینها پرسش‌هایی است که امیر در مدت استراحتش بهتر از هر کسی می‌تواند پاسخشان را دربیابد.



بان فعلی نساجی که نمایش‌های خوبی را هم در این فصل داشته، برده است. انتخابی که ظاهراً زیر نظر داوود فنیای مریی دروازه بان های پرسپولیس صورت گرفته است.حامد لک شب گذشته دروازه بان تیم ماشین سازی در دیدار با تراکتور بود و نتوانست مانع از شکست تیمش در این بازی حساس شود. او حالا یک بازی حساس را در برابر صنعت نفت خواهد داشت و پس از آن شاید برای نهایی کردن قرارداد خود راهی تهران شود.

حسان حساس در جریان بازی فوتبال ایران با آرژانتین در تهران، شهریور ۱۳۹۸.

## نقشه‌های مجیدی برای پرسپولیس

خزان بسال ۹۰، چهار بار برتری در دربی را تجربه کرد و اتفاق گل‌های بسیار حساسی نیز در این مسابقات به ثمر رساند. آن مقطع برای هواداران استقلال نیز فوق العاده شیرین و ارزشمند است. مقطعی که البته حالا مدت‌هاست انتظار تکرارش را می‌کشند ولی حداقل در شرایط عادی بعید است به این زودی‌ها دوباره آن وقایع تکرار شوند. در واقع فرهاد مجیدی تا امروز ۴ مرتبه طعم شیرین پیروزی در جدال سنتی فوتبال ایران را چشیده و قطعاً هفته آینده می‌خواهد برای پنجمین مرتبه به این مهم دست یابد.

**۱۸ مسابقه**
فرهاد طی ۲۳ سال گذشته (از تیرماه ۷۶ که برای اولین بار در جدال استقلال– پرسپولیس حاضر شد) در مجموع ۱۸ بار فضای دربی‌ها را تجربه کرده که حاصل آن کسب چهار پیروزی، ۹ تساوی و تحمل پنج باخت بوده است. آخرین برتری مجیدی با لباس استقلال مقابل پرسپولیس آذر ۹۰ حاصل شد و این طلسم ۹ ساله را بشکند. از این تعداد مسابقه، مجیدی در ۱۶ بازی به عنوان بازیکن حضور داشته و دو جدال را نیز تحت عنوان مریی و سرمربی روی نیمکت استقلال سپری کرده است.

**از بازیکن ذخیره تا حضور کامل**

حکایت شکل حضور مجیدی در دربی‌ها به

آمده، بردید. جباری گفت: چطور تا رختکن همراه تیم هستم اما یک نفر دیگر باید به من بگوید جلوی چشم مجیدی نباش؟ چه اشتباهی مرتکب شدم؟ که باید این رفتارها را ببینم؟ پس از این همه سال، در خلوت خود اشتک می‌زنیم و کسی نیست با من صحبت کند. چقدر برای تیم زحمت کشیدیم، آیا اعضای تیم می‌دانند چطور لباس‌های‌شان آماده می‌شود؟ ماهی ۷۰۰۰ هزار تومان قبض پول تلفن همراه من است و باید در بازی با سپاهان آسیب دیدم، این بود؟

### ورزشی

شماره ۳۰۲۵

## یادداشت

**بازی بازی، اما به شیوه تازه**

اردشیر لاژودی

تکلیف‌مان با عبدالله و شیرو روشن است! فوتیالش زبان دارد! محتاج وحی و بسط کلامی نیست!ا هرچه می‌گوید، به زبان فوتبال و با زبان حرکت و علائم می‌گوید! و این روزها که پیکان در انتهای جدول محکوم است به بردن و برنده شدن، گویش و لهجه فوتبال آقای ویسی، واضح‌تر، صریح‌تر و سلیس‌تر است! اینکه موی دماغ هر تیم باشد! سفت و تَنَبُز باشد! یقه هر تیمی را باید گرفت، چه نفت آبادان باشد، چه استقلال تهران و سپس سپاهان با حال و اوضاع جدیدش! استقلال را باید دید که مقابل پیکان چه خواهدکرد؟ با تدبیر می‌آید یا شانس؟ فرهاد مجیدی که تیمش بازی به بازی از خودش راضی‌تر می‌نماید اما از خودراضی و از خود متشکر نیست) مقابل عبدا… ویسی که مربیگری‌اش مدیریتی و پادگانی نیست، چه خلاقیتی به کار می‌برد؟

**دردسرهاى استقلال**

پیکان بران این بازی خط و نشان کشیدہ است: «استقلال به دردسر خواهد افتاد» و ما بی‌تابانه انتظار می‌کشیم تا ببینیم پیکان، چگونه مجیدی و یارانش را به دردسر می‌اندازد!

و فرهاد مجیدی که برابر سپاهان، دو جور خیلی متفاوت، یک بازی تهاجمی و برنده را به نمایش گذاشت، در این مسابقه که «خاص» بودن خودش را دارد، از غیبت مردان مصدومش چه اهمی می‌سازد برای تسلط بر حریف! کاری که در بازی با سپاهان، موجب پیروزی شد! بازی ویسی – مجیدی، به ۱۰ دلیل جنبه‌های تماشایی دارد!گلزن‌ترین تیم لیگ – استقلال با ۵۰ گل زده – می‌آید که گل بزند و می‌آید که برنده باشد! ولی هر بازی، حکایت خود را دارد و پیکان سپاهان نیست! ویسی هم مثل قلعه‌نویی کار نمی‌کند!

**تراکتور و پرهیز از اشتباهات**

تراکتور چرا این اواخر کم آورده است؟ آیا ربطی دارد به خستگی تیم؟ آیا مربوط می‌شود که در نحوه استفاده از بازیکنان جوان‌تر یا باتجربه‌تر؟ آیا و با بوعوه با علی دایی مذاکره کردن. ریشه‌دار و لو رفته نیست؟در جواب هرچه بگوییم، واقعیت را عوض نخواهد کرد: … تراکتور باید از یک‌سری اشتباهاتش، درس‌ها بیاموزد!مدیریت تیم و اداره تیم‌های ارست که سپاهان هم باید بیاموزد چه از حریفان بالای جدولی و چه از تیمی مثل نساجی قائمشهر که با تجدید نظر در ارکان مدیریتی‌اش، خود را شناخت و حالا به قدرت بازی‌اش پی برده و ایمان آورده است!پرسپولیس که کار خود را در لیگ نوزدهم به خوبی تمام کرد، می‌داند که حق ندارد بیازد! پس، از این پس باز هم با پرسپولیس پرنانگیزه روبه‌رو خواهیم شد! پرسپولیس‌ی که جام‌حدفی را هم می‌خواهد و پرسپولیس‌ی که هزار بار با استقلال بازی کند، بار هزار و یکمش، چیز دیگری است!

و این چنین است که گل‌گهر می‌آید تا نشان دهد که حالا تیمی شده است که باید رویش حساب ویژه‌ای باز کرد! گل‌گهری که مزه بردن را چشیده است و خیلی هم لذت برده است

**حوزه دخالت پولدارهای اروپایی**

حذف تیم اتالانتای ایتالیا در لیگ قهرمانان

اروپا درحالی که تا دقیقه نود یک– صفر جلو بود! نکات بسیاری داشت. اتالانتا به پاریس ژرمن

۲– یک باخت با گل‌های دقیقه ۹۰ و ۹۳!حذف تیم التنتیکومادرید، برابر لایپزیش از تیم‌های شرق العمان! تازه جناب سیمونه، مثل قصاب جوانمرد، از بازی حرفه خود لایپزیش، تعریف و تمجید و تشکر هم کرده است! خوب، اگر جای خرپول‌های اروپایی، برپول‌های خودمان بودند چه می‌شد؟ چقدر نااهلاانه ورود می‌کردند؟ چطور براساس قانون «چهار دیواری اختیاری» پول کلانشان را به رخ کشیده و «من می‌گویم، من فرمان می‌دهم» به‌راه می‌انداختند؟ چرا خرپول‌های اروپا، مثل برپول‌های ما، وارد هر کاری که فنی است و صلاحیت ورود لازم دارد، نمی‌شوند؟ چرا آنجاها پول تنها ملاک ارزش‌ها نیست شمار نمی‌آید؟ چرا غیر از نتیجه، مسائل دیگری هم مطرح است و به شدت هم رعایت می‌شود؟ چرا خرپول‌های اروپایی قبول دارند که پول از آن‌ها و فکر و اندیشه و خبرگی از اهل خبره، در کنار هم مفیدند، نه به جای هم؟به سرنی **A** می‌شود، ولی می‌رود و جای خود را به «پیرلو» می‌دهد و همه هم استقبال می‌کنند!

**آتش خشم فرهاد: آقا مدد هم اخراج شد؟**

شاید خیلی‌ها هم گمان می‌کردند اخراج دانشگر از استقلال، زمینه صلح و صفا در استقلال باشد اما این روزها حتی از آشتی کتان های مصلحت جویانه نیز خبری نیست.مجیدی می خواهد منهای حاکمیت خود در استقلال از نظر مسائل فنی، به لحاظ مدیریتی هم خودی نشان بدهد؛ به همین دلیل محمد دانشگر، آخرین موردی نیست که به برخورد قاطعانه مجیدی مواجه شد. حالا خبر می رسد قدیمی ترین عضو فعلی استقلال – یعنی آقا مدد مبارجی – که سال های سال به عنوان مسول تدارکات در این تیم حضور دارد با اقدام مدیریتی فرهاد مواجه شده است. آقا مدد عمده ترین شهرت خود را مدیون جمله معروف استقلالی های قدیمی است. امیر قلعه نویی به دفعات گفته آن زمان رختکن استقلال در پشت وات آقا مدد خلاصه می شد؛ از منظر دیگر اما آقا مدد به جعبه سیاه استقلال هم معروف است. زیرا او در سال های گذشته از ناصر حجازی بگیريد تا منصور پورحیدری، قلعه نویی و مربیان خارجی و داخلی دیگر، یک پای ثابت استقلال بود و هرگز صدایی از این مسول تدارکات به بیرون نداد.پیدا نکرده است. هنوز از دلایل ناراحتی فرهاد مجیدی از آقا مدد اطلاعی در دست نیست اما گفته می شود شدت این دلخوری به حدی بوده که برای نخستین بار به مدد جباری اجازه ورود به رختکن استقلال داده نشده است!

رختکن استقلال در پشت وات آقا مدد خلاصه می شد؛ از منظر دیگر اما آقا مدد به جعبه سیاه استقلال هم معروف است. زیرا او در سال های گذشته از ناصر حجازی بگیريد تا منصور پورحیدری، قلعه نویی و مربیان خارجی و داخلی دیگر، یک پای ثابت استقلال بود و هرگز صدایی از این مسول تدارکات به بیرون نداد.پیدا نکرده است. هنوز از دلایل ناراحتی فرهاد مجیدی از آقا مدد اطلاعی در دست نیست اما گفته می شود شدت این دلخوری به حدی بوده که برای نخستین بار به مدد جباری اجازه ورود به رختکن استقلال داده نشده است!